#۲۴
۲ دسامبر ۲۰۱۶

# نگاه ما، آینده ما، رؤیاهای ما

In The Loop
Refugee Feedback Review
نشریه پیشنهادات و انتقادات پناهندگان

## نگاه ما، آینده ما، رؤیاهای ما

Internews این هفته یک ویژه نامه هشت صفحه‌ای از In The Loop را ارائه می کند که صدای کودکان پناهنده و مهاجر در یونان را بازگو کرده است. مشارکت کودکان یکی از اصول اساسی معاهده ی حقوق کودکان است که تاکید می کند کودکان و افراد جوان حق دارند آزادانه دیدگاه های خود را در مورد تمام امور مؤثر بر آنها بیان کنند و عقاید آنها مد نظر قرار گرفته شود. Internews و Save the Children کارگاه های خلاقانه ای برای کمک به کودکان سوری در ریتسونا و کودکان افغانستانی در اینوفیتا طراحی کرده اند تا آن ها بتوانند نظرات خود را خلاقانه بیان کنند. نتیجه این کارگاه ها این ویژه نامه است که نظرات کودکان درباره دلایل ترک وطن خود، تجربیات زندگی آنها در سایت های سازمان دهی شده در یونان و رؤیاهای آنها برای آینده را برجسته می کند. کودکان نام را انتخاب کردند: «نگاه ما، آینده ما، رویای ما». همچنین آنها همه رسامی/نقاشی ها، عکسها، نقل قول ها و تعداد زیادی شکل طراحی کردند.

## ریتسونا

**اسکان:**
کانتینرها

**جمعیت:**
۵۷۰ (تقریباً ۲۲۸ کودک)

**منبع:**
کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان

## اینوفیتا

**اسکان:**
چادرها، ساختمان قدیمی

**جمعیت:**
۶۸۰ (تقریباً ۲۷۲ کودک)

**منبع:**
کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان

### روش شناسی - یک رویکرد مشارکتی

۶۸ کودک و فرد جوان در کارگاه های زبان فارسی (سایت اینوفیتا) و عربی (سایت ریتسونا) شرکت کردند. این کارگاه ها به کودکان کمک کرده است مهارت های مصاحبه کردن، ضبط/ثبت ویدیو، عکاسی، نقاشی/رسامی و طراحی گرافیک را بیاموزند و از این مهارت ها برای گردآوری نظرات سایر کودکان استفاده نمایند. به شرکت کنندگان در تصمیمات اصلی شامل انتخاب فعالیت ها، نتایج مشارکت آنها، طراحی موارد تولید شده و زمینه های اشتراک گذاری آنها مشاوره داده می شود. کودکان موافقت کردند دیدگاه ها و تجربیات خود را در میان بگذارند به این امید که تصمیم گیران به حرف های آنها گوش دهند. برای مثال یک کودک (۱۳-۱۵ساله) افغانستانی توضیح داد: "ما دوست داریم رییس اتحادیه اروپا مجله [In The Loop] ما را مطالعه کند."

۱۰۰ واژه ای که بیشتر اوقات توسط شرکت کنندگان بیان شده است

**”ما دوست داریم رییس اتحادیه اروپا مجله ما را مطالعه کند.“**
**- دختر افغان، ۱۳-۱۵ساله**

## پنج طرفدارترین موضوعات

درصد/تعداد، عکس العمل (فعل و انفعالات) مربوط به موضوع ذکر شده در فهرست را نشان می دهد

**پناهگاه ۲۵٪**

**زمستانی شدن ۱۷٪**

**تحصیل ۱۷٪**

**سرگرمی/بازیچه ۱۷٪**

**صحت / درمانی ۱۲٪**





**غذا ۱۶٪**


**موارد غیر غذایی ۹٪**


**رفتار ضداجتماعی ۸٪**


**جابجایی ۸٪**


**دلایل پرواز ۷٪**

**دلایل برای پرواز:**
**"من برای زندگی کردن به اینجا نیامده ام، بلکه از جنگ فرار کرده ام"**

کودکان داستان هائی راجع به برخوردها و سختی های پیش از پرواز و سفرخطرناکی که با قایق از ترکیه به یونان کرده و زنده مانده بودند را با ما در میان گذاشتند. آن ها مشتاق بودند به ما بفهمانند دلیل این که وطن خود را ترک کرده اند، این نبود که می خواستند در اروپا زندگی کنند؛ بلکه مجبور/وادار به فرار شده بودند.

در سوریه، پیش از جنگ، اتوبوس وجود داشت و کودکان برای رفتن به مدرسه سوار اتوبوس می شدند. مواقعی که تعطیلات مذهبی داشتیم به دیدن یکدیگر می رفتیم - نه مانند اینجا. ما بسیار خوش (خیلی خوشحال) بودیم و احساس راحتی/آسودگی می کردیم.
**- دختر سوری، ۱۲ - ۸ ساله**

تمام مردمی که همراه فرزندان خود اینجا هستند، خانه و زندگی و هر آنچه را که داشتند فروخته اند، که به اینجا بیایند.
**- پسر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

**"در دریا، باران می بارید و امواج دریا بسیار زیاد بودند. وقتی که ما به اینجا آمدیم وضعیت چنین بود."**
**- پسر سوری، ۱۲ - ۸ ساله**

این خانه من در سوریه است... هر سه منزل/ طبقه توسط بمب ویران شد. ما به ترکیه رفتیم... من به اروپا نیامده ام که در اینجا زندگی کنم؛ بلکه از جنگ فرار کرده ام. فقط بگذارید آن ها این را بدانند.
**- پسر سوری، ۱۲- ۸ ساله**

ما آمده ایم که پیشرفت کنیم، زندگی جدیدی را شروع کنیم و درس بخوانیم. اما؛ اکنون هیچ کاری انجام نمی دهیم - فقط می خوابیم، می خوریم و در اردوگاه می مانیم.
**- دختر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

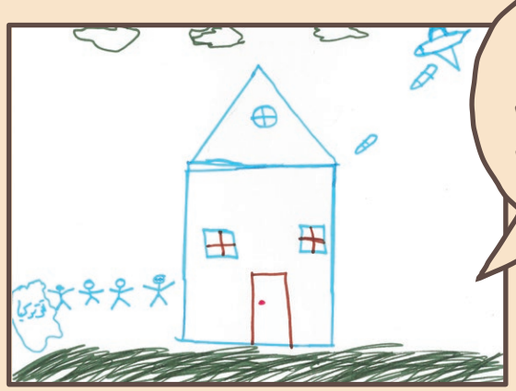

هواپیمائی/طیاره ای منزل ما را در سوریه بمباران کرد. ما به ترکیه فرار کردیم. ما همیشه می گفتیم، "این کشور ما است و آن را ترک نخواهیم کرد". اما پس از پنج سال آن ها به بمباران کردن ما ادامه دادند و ما هم آنجا را ترک کردیم.
**- پسر سوری، ۱۲ - ۸ ساله**

در افغانستان جنگ است. من در خیابان/سرک راه می رفتم که انفجاری رخ داد و این انفجار برادر مرا کشت
**- پسر افغانستانی، ۱۶-۱۹ ساله**

در دریا، باران می بارید و امواج دریا بسیار زیاد بودند. وقتی که ما به اینجا آمدیم وضعیت چنین بود.
**- پسر سوری، ۱۲ - ۸ ساله**

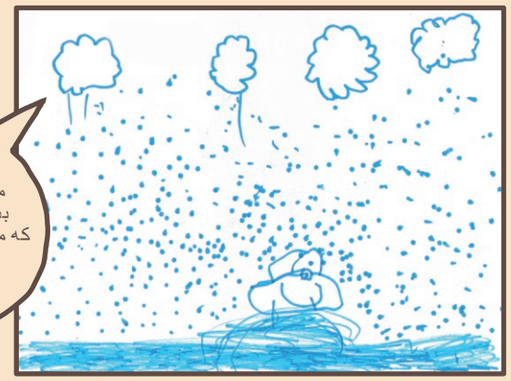

**زندگی روزمره:**
**"من می خواهم مردم بدانند که وضعیت واقعی اردوگاه چگونه می باشد"**

کودکان علاقه خود را برای برقراری ارتباط با جهان برای بیان شرایطی که در آن زندگی می کنند ابراز کردند. بسیاری از آن ها ناراحتی، خفت و خواری که از زندگی کردن در چادر و کانتینر احساس می کنند، نمی توانند دوش/شاور آب گرم بگیرند و هر روز همان نوع غذا را می خورند را برجسته ساختند. اهمیت آموزش و تفریح نیز از موضوعات معمولی بود و کودکان هم عقیده بودند که فعالیت ها و فضاهای مناسب کودکان به اندازه کافی در سایت ها ارائه نمی شوند.

ما نمی توانیم در این اردوگاه ها زندگی کنیم. اگر آنها می خواهند بدانند، بیایند و یک روز در چادر زندگی کنند تا بفهمند وضعیت زندگی ما چگونه است.
**- دختر افغانستانی ۱۵-۱۳ ساله**

من می خواهم مردم بدانند وضعیت واقعی اردوگاه چگونه است... من هشت ماه گذشته را در این اردوگاه بوده ام. اکنون اوضاع با این کاروان ها بهتر شده است؛ اما، این حقیقت را را تغییر نمی دهد که ما برای مدت نامعلومی در اینجا گرفتار شده ایم.
**- پسر سوری، ۱۵-۱۳ ساله**

می خواهم به دنیا نشان بدهم چگونه در این چادرها زندگی می کنیم. در تلویزیون آن را خیلی خوب جلوه می دهند، مانند این که پناهندگان هر آنچه را که نیاز دارند، در اختیار دارند. اما در حقیقت ما هیچ چیز نداریم... من می خواهم یک صفحه فیسبوک درست کنم - صدای پناهندگان - تا به دنیا نشان بدهم واقعا چه اتفاقی دارد می افتد.
**- پسر کرد سوری، ۱۹-۱۶ ساله**

## پناهگاه

**"هنگامی که باران می بارد، تمام آب وارد چادر می شود و همه ما در آب می خوابیم."**
**- پسر افغانستانی،۱۵-۱۳ ساله**

ما در یک چادر هستیم. خیلی سرد است. تمام کودکان بیمار/ مریض هستند.
**- پسر افغانستانی ۱۲- ۸ ساله**

ما هشت نفر هستیم و آن ها کاروان دیگری را به ما نمی دهند. برای ما خیلی مشکل است که همگی در یک کاروان زندگی کنیم. برادران من روی زمین می خوابند.
**- دختر سوری، ۱۲- ۸ ساله**

مردم تلاش می کنند جای خود را کلانتر/ بزرگ تر کنند {با ساخت سکوهای کوچک}، زیرا این ایزوباکس ها خیلی کوچک هستند. بعضی خانواده ها هفت یا هشت نفر می باشند. آن ها نمی توانند در فضای به این کوچکی زندگی کنند، لذا سعی می کنند آن را بزرگ تر کنند.
**- پسر کرد سوری، ۱۹-۱۶ ساله**

## غذا

غذا در اردوگاه خوب نیست. غذا فقط کچالو/سیب زمینی و برنج است.
**- پسر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

آن ها اینجا غذا می آورند ولی قابل خوردن نیست، لذا ما خودمان آشپزی می کنیم. همه چیز درست می کنیم - هر آنچه که شما بخواهی.
**- پسر سوری، ۱۵-۱۳ ساله**

کچالو/سیب زمینی و برنج بهترین غذا در این اردوگاه است، و گاهی هم گوشت. ما باید پول خود را خرج کنیم، مواد غذائی بخریم و غذا بپزیم.
**- پسر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

## زمستان

مردم دور آتش جمع می شوند تا گرم شوند. من این عکس را از مردمی که دور آتش نشسته اند گرفته ام، تا نشان دهم مردم چگونه خود را گرم می کنند. آن ها در جنگل چوب جمع می کنند.
**- پسر سوری، ۱۵-۱۳ ساله**

در این هوای سرد، ما به چیزی نیاز داریم که ما را گرم کند... ما نیاز به کالای/پوشاک زمستانی داریم. ما نیاز به آب داغ برای شاورها/ دوش ها داریم.
**- دختر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

زمستان است و هوا بسیار سرد می باشد. همانطور که دیده اید، ما در چادر ها می خوابیم. هنگامی که باران می بارد، تمام آب وارد چادر می شود و همه ما در آب می خوابیم.
**- پسر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

## آموزش

ما به مدرسه رفتیم و تنها چیزی که آن ها به ما آموزش می دهند زبان یونانی است... ما نمی توانیم معلمین را درک کنیم. به همین دلیل دیروز کسی به مدرسه نرفت.
**- دختر سوری، ۱۲-۸ ساله**

تنها مورد خوب در این اردوگاه این است که ما دارای مکتب/ مدرسه هستیم. من مکتب/ مدرسه اینجا را خیلی دوست دارم.
**-پسر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

**"ما نمی توانیم معلمین را درک کنیم. به همین دلیل دیروز کسی به مدرسه نرفت."**
**- دختر سوری، ۱۲-۸ ساله**

ابتدا مدارس در خلکیدا با پذیرش کودکان پناهنده در سیستم مدارس دولتی مخالف بودند، اما بعد آن را تصویب کردند. البته، معلمین به زبان انگلیسی صحبت نمی کنند و فقط با ما به یونانی صحبت می کنند.
**- پسر سوری، ۱۵-۱۳ ساله**

## بازی و سرگرمی

هیچ کسی نیست که با ما بازی کند، به ما آموزش دهد که چگونه می توانیم بازی کنیم. در افغانستان چینین نبود. ما در وضعیت بدی قرار داشتیم، اما می توانستیم کاری بکنیم
**- پسر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

اولین کاری که کودکان صبح انجام می دهند این است که با همدیگر بازی کنند تا شاد باشند. هندبال، فوتبال، شطرنج/سطرنج، بدمینتون و کلانها/بزرگسالان هم با تلفن های موبایل خود بازی می کنند.
**- پسر سوری، ۱۵-۱۳ ساله**

اگر بخواهیم فوتبال بازی کنیم، باید خیلی از اردوگاه دور شویم و می ترسیم که نتوانیم برویم. ما برای فوتبال لباس/کالا و کفش/بوت نداریم، ما دوست داریم که فوتبال بازی کنیم.
**- پسر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

ما می خواهیم در مورد این که پناهندگان الان باید چکار بکنند صحبت کنیم. آن ها نمی توانند به افغانستان برگردند و نمی توانند به پیش بروند؛ زیرا پول ندارند - پی باید چکار بکنند؟
**- پسر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

من دوست دارم یک شاهزاده باشم. یک شاهزاده لیوان/گیلاس دارد، ظروف دارد، چاینک/قوری چائی دارد، او در آشپزخانه همه چیز دارد. او یک تختخواب دارد. و یک خانه دارد. به همین دلیل است که من می خواهم یک شاهزاده بشوم.
**- دختر سوری، ۱۲-۸ ساله**

این یک کوه و خورشید، دریا و خانه است. این خانه ما در کشورمان است و دریا در کنار آن قرار دارد. این سوریه است. من می خواهم برگردم ... من می خواهم بروم و در این خانه زندگی کنم.
**- پسر سوری، ۱۲-۸ ساله**

ما می خواهیم در مورد این که پناهندگان الان باید چکار بکنند صحبت کنیم. آن ها نمی توانند به افغانستان برگردند و نمی توانند به پیش بروند؛ زیرا پول ندارند - پس باید چکار بکنند؟
**- پسر سوری، ۱۹-۱۶ ساله**

مدت هفت ماه است که ما را در این اردوگاه نگه داشته اند و ما نمی دانیم سرنوشت ما چه خواهد بود... اگر دست خودم بود، تا حالا به سوریه برگشته بودم.
**- پسر سوری، ۱۲- ۸ ساله**

**"لطفا فکری درباره ما بکنند - ما کودک هستیم. ما کاری نکرده ایم که موجب شویم آن ها ما را دوست نداشته باشند یا نخواهند به ما کمک کنند..."**
**- دختر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

من یک نقاشی کشیدم، یک خانه با خودم و اسکوترم. این چادر من است. یک هواپیما/طیاره آنجا است. آسمان و خورشید آنجا است. من می خواهم همراه با خواهرم در یک خانه بسیار زیبا زندگی کنم و می خواهم با هواپیما/ طیاره به آلمان/جرمنی بروم؛ زیرا در آلمان/جرمنی جنگ نیست و کشور بسیار زیبائی است و من می توانم بازی کنم.
**- دختر سوری، ۱۲-۸ ساله**

حتی اگر آن ها فکری درباره افراد پیر/ سالمند نمی کنند؛ لطفا فکری درباره ما بکنند - ما کودک هستیم. ما کاری نکرده ایم که موجب شویم آن ها ما را دوست نداشته باشند یا نخواهند به ما کمک کنند... ما می خواهیم اقدام کنید - و آینده ما را روشن نمائید.
**- دختر افغانستانی، ۱۵-۱۳ ساله**

**رویاهای آینده:**
**" ما می خواهیم درباره آنچه که پناهندگان باید اکنون انجام بدهند صحبت کنیم"**

تقریبا هر کودکی که با ما درباره رویاهاش برای آینده صحبت کرد، بر خواسته خود برای داشتن یک خانه راحت که بتوانند با خانواده خود در آن زندگی کنند تمرکز کردند. الحاق به اعضای خانواده در سایر نقاط اتحادیه اروپا نیز یک آرزوی عمومی و مشترک بود؛ در حالی که دیگران آرزو داشتند به وطن خود بازگردند. بعضی از کودکان، به ویژه کودکان بدون همراه نگرانی خود را درباره وضعیت آینده خودشان بیان کردند، زیرا تحصیلات آن ها متوقف شده و مطمئن نیستند عاقبت چه خواهند شد.

نشریه در حلقه،نگرانی ها و نظرات افرادی را بررسی می کند که تحت تاثیر بحران پناهندگان اتحادیه اروپا قرار
گرفته اند. سازمان اینترنیوز به طور روزانه انتقادات و پیشنهاداتی را که توسط پناهندگان و مهاجران به صورت رودر رو و یا در اینترنت مطرح شده است، جمع آوری کرده و آنها را به ثبت می رساند. با تجزیه و تحلیل این انتقادات و پیشنهادات، این نشریه قصد دارد که مسئولیت پذیری را تقویت کرده و حلقه انتقادات و پیشنهادات را محکم نموده و صدای افراد مربوطه را به گوش دیگران برساند. این شماره **در حلقه** بر اساس تعامل ۶۸ کودک و جوان توسط افسران رابط پناهندگان و ویراستاران رسانه های اجتماعی تهیه شده است. تعاملات در راستای یک مجموعه از استانداردهای رایج ثبت شده و موضوعات با استفاده از تکنیک های تحلیل محتوا شکل می گیرند. به منظور نمایش موضوعات غالب و برجسته کردن نظرات اقلیت‌ها، ترکیبی از موضوعات متداول و موضوعات منحصر به فرد ارائه می شود.

NEWS.THAT.MOVES
newsthatmoves.org

Internews
Local voices. Global change.

Save the Children

TRANSLATORS
WITHOUT BORDERS